

اهمیت آب و عناصر آبی در باغ ایرانی

چکیده | موضوع این پژوهش بررسی نقش آب در شکل‌گیری عناصر معماری، به ویژه فضاهای مرتبط با آب در باغ‌ها است. هدف این تحقیق از یک سو طبقه‌بندی و تعریف انواع عناصر و فضاهای مرتبط با آب و به ویژه حوض در باغ‌ها و از سوی دیگر بررسی اشکال مختلف آنها است. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است، داده‌ها نخست طبقه‌بندی و مقایسه و سپس تحلیل شده‌اند. مبانی نظری تحقیق بر این نکته استوار است که از یک سو پدیده‌های محیطی و اقلیمی و از سوی دیگر ویژگی‌های کارکردی باغ‌ها و مفاهیم فرهنگی آب، نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری عناصر آبی و به ویژه حوض‌ها داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آب نقش اصلی در شکل‌گیری باغ در نواحی گرم و خشک داشته است و حوض مهم‌ترین عنصر آبی است که به شکل‌های بسیار متنوعی در طراحی و ساخت باغ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مفاهیم فرهنگی آب در جهان اسلام و به ویژه در ایران نیز در چگونگی شکل‌گیری کالبدی و موقعیت بعضی از حوض‌ها نقش داشته است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین نقش‌های عناصر آبی مربوط به حوض بوده ولی از دوره قاجار نوعی سنت‌شکنی در این زمینه آغاز شده است. از این دوره در بسیاری از موارد جنبه‌های تزئینی و فانتهی آب بر جنبه‌های نمادین آن فزونی گرفته است.

واژگان کلیدی | باغ، عناصر و فضاهای آبی، حوض، حوض‌خانه، آبگیر.

حسین سلطان‌زاده
دکتری معماری، دانشگاه آزاد، واحد
تهران مرکزی.

h72soltanzadeh@gmail.com

علیرضا سلطان‌زاده
کارشناس ارشد تکنولوژی معماری،
دانشگاه تهران.

soltanzadeh.alireza@gmail.com

اهمیت تاریخی و فرهنگی آب

در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، به عناصر طبیعی اهمیت می‌دادند، بعضی از آنها را تقدیس می‌کردند و برای آنها آیین‌هایی به جا می‌آوردند. آب، از عناصر بسیار مهم طبیعی است که در بسیاری از سرزمین‌ها، به ویژه سرزمین‌های گرم و خشک که مردم با کمبود آن مواجه بودند، اهمیت ویژه‌ای در زندگی مردم داشت. و به کیفیت و نحوه استفاده از آن توجه داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۲ و الکرچی، ۱۳۷۳: ۶۹).

در بسیاری از آیین‌ها، آب، نقشی اساسی داشت. برای نمونه در قسمتی از اسطوره «گیل‌گمش»، شمش، خدای آفتاب، از گیل‌گمش می‌خواهد که با انکیدو به جنگ خومیابا بروند و او را به سبب گناهی که مرتکب شده بود، بکشند. گیل‌گمش و انکیدو پیش از رفتن به نبرد، به معبدی به نام الگاماخ می‌روند تا راهبه مقدس برای موفقیت آنان دعا کند و مراسمی به جا آورد. در این مراسم راهبه مقدس پیاله‌ای از آب را بر زمین می‌ریزد. قسمتی از متن اسطوره چنین است: «با زیورهای مقدس دوباره برگشت، پوشیده در لباس سفید، سپرهای زرین روی سینه، تاره‌ای روی سر و در دست پیاله‌ای پر از آب داشت. آب بر زمین پاشید، از باروی معبد بالا رفت. در آن بلندی، در زیر آسمان باز، بوی بخور برخاست» (اسمیت، ۱۳۷۸: ۴۲).

سنت آب‌پاشی در مصر و برخی سرزمین‌های دیگر نیز وجود داشت. در دوران اسلامی از سوی برخی خلفا ممنوع اعلام شد، اما دوباره رواج پیدا کرد (متز، ۱۳۶۲: ۱۶۳).

در متون زرتشتی خلقت آب به اهورامزدا منسوب است: آب ابتدا ساکن بود، سپس جریان یافت و به سوی سرزمین‌های خشک روان شد (پورداد، ۱۳۴۷: ۷۲).

تندیس‌های متعددی از ایزدبانوی باروری به ویژه از دوره اشکانیان به صورت‌های گوناگون از جمله بانویی برهنه به دست آمده است که برخی از پژوهشگران آنها را تندیس ناهید دانسته‌اند (هینلز، ۱۳۶۸: ۳۸).

ارتباط آب با یک ایزدبانو و همچنین موضوع باروری در بسیاری از فرهنگ‌های پیشین دیده می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، مفاهیم آب، حیات، زندگی، باروری، زایمان و زنان غالباً در ارتباط با یکدیگر اندیشیده می‌شد و به طور معمول یک ایزدبانو مسئول آن بود (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۹۲). از سوی دیگر در بعضی از فرهنگ‌ها، بین ایزد آب و کوه ارتباط وجود داشت؛ به ویژه در سرزمین‌های خشک، وجود

چشمه‌های آب یا جاری شدن رودخانه و نهر از کوه موجب تقدیس این عناصر می‌شده است (مقدم، ۱۳۵۷: ۹۵؛ قرشی، ۱۳۸۰؛ اخوان‌الصفاء، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

برخی عناصر آبی در باغ‌ها

دریاچه (آبگیر)

به سبب کمبود آب در بسیاری از نواحی مرکزی ایران، به یک حوض بسیار بزرگ یا آبگیر، دریاچه می‌گفتند و به این ترتیب حتی ممکن بود به یک حوض با مساحت حدود ۵۰۰ متر مربع نیز دریاچه بگویند. در موارد بسیار نادر و اندک از آبگیرها یا دریاچه‌های بسیار کوچک طبیعی نیز استفاده می‌شد. آبگیر یا دریاچه مجموعه باغ‌های نزدیک به‌شهر از این‌گونه است.

طراحی و ساخت آبگیرهای بزرگ یا دریاچه‌های کوچک به چند منظور صورت می‌گرفت. نخست ایجاد سکویی در میان باغ که عمارت کوشک روی آن ساخته شود و منظری خاص پدید آید. ساختمان کوشک باغ به‌شهر و همچنین باغ ایل‌گلی در تبریز از این‌گونه است. در مواردی بیشتر ایجاد یک منظره زیبا و گسترده آبی مورد نظر بود، آبگیر بزرگ جلوی باغ تخت قاجار در تهران را می‌توان از این‌گونه به شمار آورد (تصویر ۱). در برخی از مواقع هدف اصلی ساخت چنین آبگیرهایی گردآوری و نگهداری آب بود. در برخی از باغ‌های مراکش این پدیده وجود داشت (قاسمی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

در مواردی نیز هر دو کارکرد مورد نظر بود، مانند باغ ایل‌گلی تبریز. البته در مورد ایل‌گلی (شاه‌گلی) نوشته‌اند آنجا را ابتدا به قصد ایجاد یک مخزن آب ساخته بودند و تاریخ ساخت آبگیر مشخص نیست. اما پس از آنکه دچار ویرانی شد، در دوره قاجار شاهزاده قهرمان میرزا پسر هشتم عباس میرزا حکمران آذربایجان دستور داد آن را عمارت کنند و آبگیر را با سنگ و آهک مرمت کردند و در وسط آن بنیان عمارتی برپا شد و راهی از سمت جنوب برای دسترسی به آن عمارت ساختند و زورقی به آن آبگیر برای تقنن انداختند (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۶۶)؛ (تصویر ۲).

حوض

حوض را می‌توان مهم‌ترین عنصر آبی در معماری و طراحی منظر در ایران به شمار آورد که به ویژه در نواحی گرم و خشک و بسیاری از نواحی دیگر، در فضاهای سکونتگاهی و در بعضی

یکی ماست زده [بر سقف آن] گاه خورشید و گاه ماه روشنی در آراسته است» (بندهش، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

به نظر می‌رسد در عرصه طراحی شهری هم به صورت آرمانی به چهار جوی توجه می‌شده است، چنان‌که در کارنامه اردشیر بابکان درباره اردشیر خره چنین نوشته شده است: «به پارس رفت و اردشیرخره آنجا نهاد، شارسثانی بس خوش و خجیر. دریا یکی کند و آب چار جوی از آن گشود» (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۶۹: ۴۴).

فواره

فواره عنصری غالباً عمودی بود که در جوی‌ها و حوض‌ها ساخته می‌شد و جریان آبی که از منبعی در سطح بالاتر از سطح باغ در آن جریان می‌یافت موجب جهش آب در آن می‌شد که افزون بر جنبه‌های بصری، از لحاظ ایجاد صدای آب و همچنین موج شدن آن در حوض یا نهر جذاب و مورد توجه بود (تصاویر ۷ تا ۹).

آبشار

در بیشتر نواحی سرزمین‌های اسلامی و مناطق مرکزی ایران بزرگ مقدار آبی که به یک باغ اختصاص می‌یافت غالباً چندان زیاد نبود که بتوانند آب آن را از طریق آبشارهای بزرگ و عظیم به نمایش بگذارند. از سوی دیگر شمار باغ‌های دارای شیب‌های

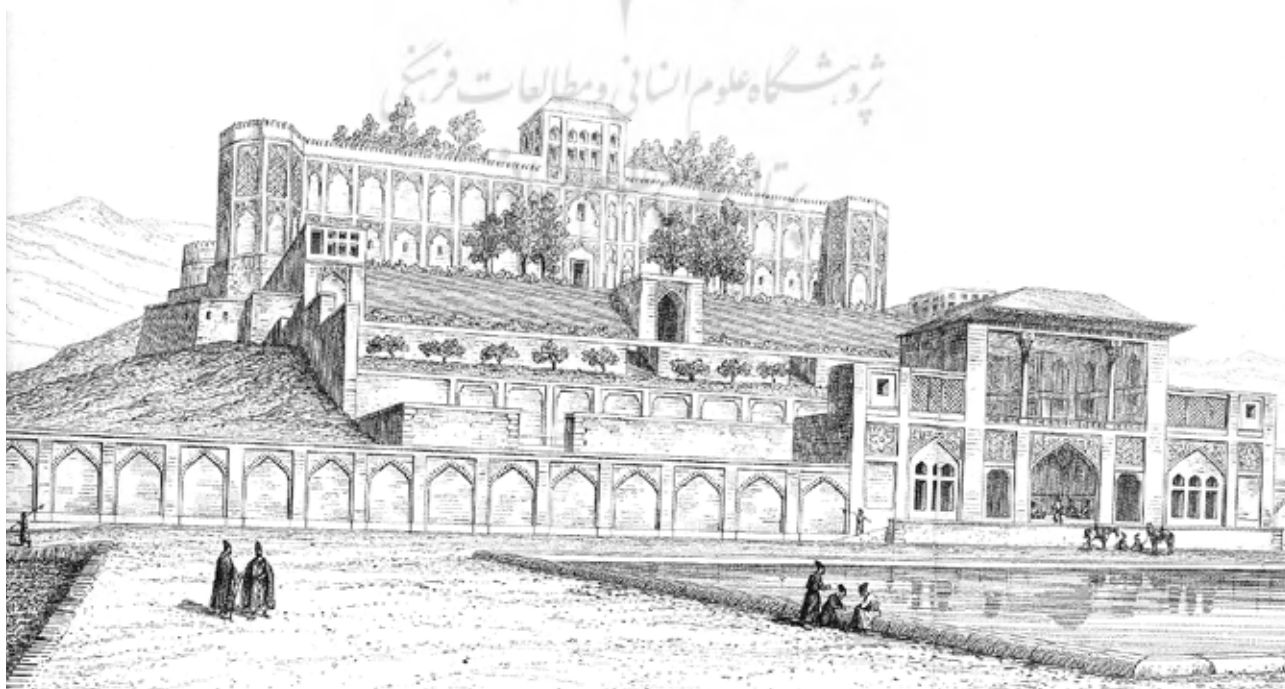
از فضاهای شهری مورد استفاده قرار می‌گرفت. ابعاد، مساحت و ویژگی‌های کالبدی حوض بسیار متنوع بوده است، چنان‌که در جلوخان فضاهای مهم و همچنین در چهارباغ‌های بزرگ مانند چهار باغ اصفهان حوض می‌ساختند (هولتسر، ۱۳۵۵: ۷۸).

بر پایه بعضی اسناد از قرن دوم هجری، در بعضی موارد در یک فضای شهری حوض‌هایی ساخته می‌شد و اهمیت آن، چنان بود که گاه آن محل به نام حوض خوانده می‌شد. «حوض قدیم» یکی از محله‌های بغداد قدیم بود که در نزدیکی سرای رومیان و منازل پارسیان قرار داشت (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶: ۱۶)؛ (تصاویر ۳ تا ۶).

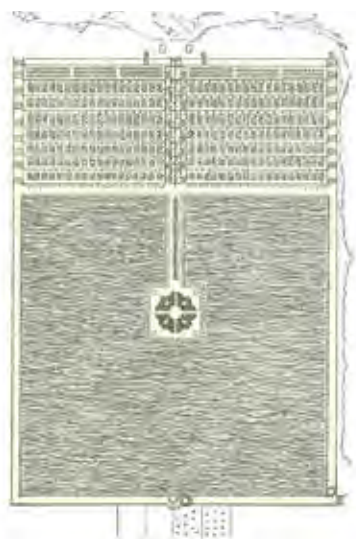
جوی

جوی، نهر یا آبراهه‌ای بود که هم انتقال آب برای سیراب کردن درختان و گیاهان باغ از آن انجام می‌شد و هم به عنوان عنصری نمایشی برای نشان دادن آب در امتداد محورهای اصلی باغ در ترکیب با یک یا چند حوض، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

وجود چهار جوی که با یک حوض مرکزی مرتبط باشند در ادبیات آیینی و ادبی ایران کهن اهمیت داشت، چنان‌که درباره خانه افراسیاب در بندهشن چنین نوشته شده است: «چهار رود در آن می‌تازد، یکی آب، یکی می، یکی شیر و



تصویر ۱: تهران، باغ قاجار با آگیری بزرگ در جلوی ورودی. مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۴.



تصویر ۲: تبریز، دریاچه باغ ایل گلی. مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۴.

پاشویه به طور معمول پیرامون هر حوض جوی باریک و کم عمقی ساخته می‌شد که سرریز آب حوض در آن بریزد و از طریق آن به جوی‌ها و سایر بخش‌های باغ انتقال یابد. در شمار اندکی از حوض‌هایی که بدنه و لبه بالا آمده نسبت به سطح زمین نداشتند، پاشویه‌ای نیز ساخته نمی‌شد.

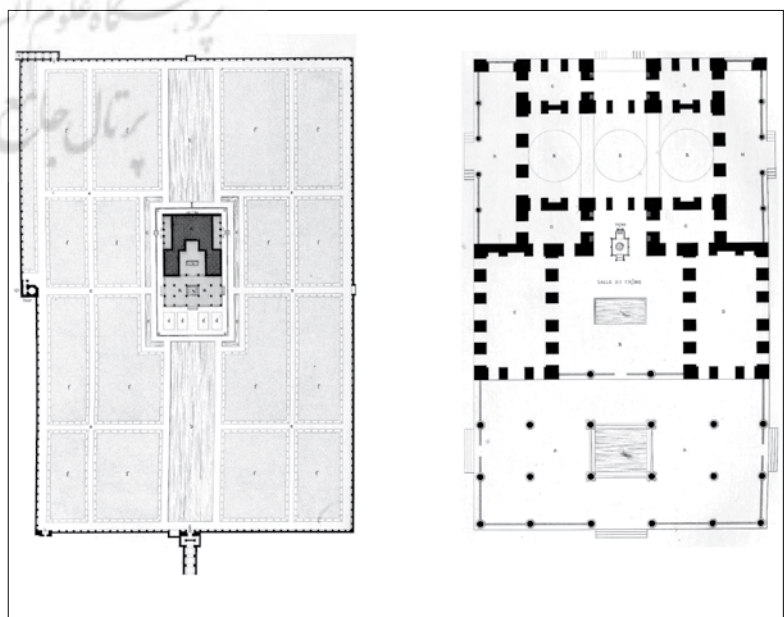
ویژگی‌های عملکردی، کالبدی و آیینی حوض

حوض یکی از مهم‌ترین عناصر آبی در معماری ایران به ویژه در

زیاد که چنین امکانی را به سادگی فراهم آوردند، بسیار اندک بود. در مواردی که این امکان فراهم می‌شد مانند باغ تخت قاجار در تهران یا باغ تخت شیراز و همچنین باغ شازده در ماهان، از آبشار استفاده می‌کردند. در برخی از سرزمین‌های جهان اسلام مانند کشمیر و بخش‌هایی از هندوستان که در بعضی از مناطق آن‌ها رودخانه‌های بزرگ جریان داشت، آبشارهای بزرگ و باشکوهی برای نشان دادن جریان آب طراحی و ساخته می‌شد (تصویر ۱۰).



تصویر ۴: تبریز، حوض، جوی و فواره باغ فتح‌آباد. مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۴.



تصویر ۳: مراکش، حوض در حوض، دارالجامعه‌ای. مأخذ: Lehrman, 1980.



تصویر ۵: مراکش، حوض در حوض، دارالجمعه‌ای. مأخذ: Lehrman, 1980. تصویر ۶: شیراز، حوض باغ گلشن. مأخذ: خوانساری، مقتدر و یآوری، ۱۳۸۳.

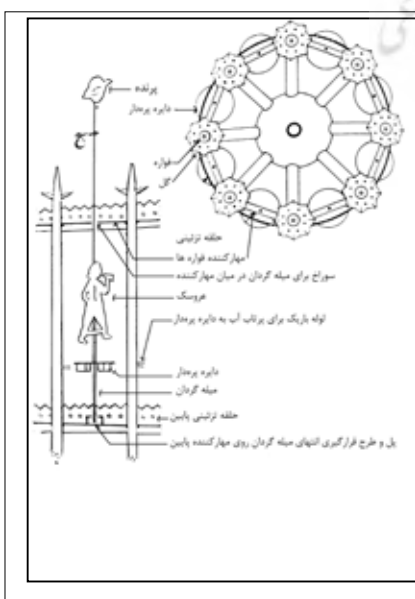
نواحی مرکزی کشور بوده است و در بسیاری از انواع بناها مورد استفاده قرار می‌گرفت و خصوصیات کارکردی و کالبدی هر کدام با نوع بنا و کارکردهای آن متناسب بوده است (شیرازی، ۱۳۰۷: ۵۲۱). در اینجا تنها به بعضی ویژگی‌های کالبدی و کارکردی حوض‌های درون باغ‌ها اشاره می‌شود:

ساخته می‌شد جمع می‌کردند (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۲۵). و از آن برای آبیاری یا مقاصد دیگر استفاده می‌کردند. البته به طور معمول آب را برای آشامیدن در آب انباری که غالباً در سطحی پایین‌تر از زمین و سرپوشیده بود، نگه می‌داشتند.

کارکرد اقلیمی

تبخیر آب درون حوض به کمک جریان هوا موجب خنک و مطلوب شدن هوای باغ می‌شد. این کارکرد در بهترین شکل در

ذخیره آب در نواحی خشک، آب را به تدریج در حوض بزرگ که به دقت



تصویر ۸: طبس، فواره یکی از حوض‌خانه‌های باغ خان. مأخذ: دانش‌دوست، ۱۳۷۶.

تصویر ۷: شیراز باغ خلیلی، مأخذ: خوانساری، مقتدر و یآوری، ۱۳۸۳.

کارکرد تفریحی و گذران فراغت

از آبگیرها یا حوض‌های بزرگ، گاه برای تفریح و گذران فراغت هم استفاده می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۳۴). همچنین گرتروئبل به استخر بزرگ در باغی اشاره کرده که قایق باریکی در آن بود (ایبل، ۱۳۵۶: ۶۴). بر پایه چند نگاره باقی مانده، در بعضی باغ‌های بزرگ یک حوض بزرگ یا استخر برای شنا کردن خانم‌ها اختصاص می‌یافت. در سفرنامه ایران و روسیه نیز به حوضی مخصوص شنا کردن اهل اندرونی در باغ خلوت در مجموعه باغ‌های بهشهر اشاره شده است (ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۴۵). ناصرالدین شاه نیز در سفرنامه خراسان، به تختی که برای او در دریاچه چشمه‌علی دامغان نصب کرده بودند و آلاچیق او را در روی آن نصب کرده بودند، اشاره کرده است (ناصرالدین شاه، ۱۳۵۴).

کارکرد آیینی، نمادین و اجتماعی

آب در ایران باستان یکی از مهم‌ترین عناصر چهارگانه هستی‌بخش دانسته می‌شد و هر جا چشمه دائمی پر آب و مهمی می‌دیدند، نیایشگاه یا فضایی ساده برای گرمی‌داشت آن برپا می‌کردند. تخت سلیمان در آذربایجان و طاق بستان در کرمانشاه از نمونه‌های مهم این فرهنگ بوده است. اما



تصویر ۱۰: کشمیر، آبشار در باغ نشاط. مأخذ: Lehrman, 1980

حوض‌خانه‌ها مورد توجه قرار داشت. به این ترتیب که مقداری از آب حوض و فواره درون آن تبخیر می‌شد و جریان هوا که از پنجره‌های همکف وارد و از روزن‌های سقف گنبدی شکل بالای حوض‌خانه یا سایر پنجره‌های حوض‌خانه بیرون می‌رفت، موجب خنک شدن هوا می‌شد.

فعالیت‌های مربوط به شستشوی لباس، ظروف و سایر پدیده‌های مربوط به آن بیشتر در حوض‌های خانه‌ها و بخش‌های خدماتی و اندرونی باغ‌ها صورت می‌گرفت. این‌گونه فعالیت‌ها در همه حوض‌ها وجود نداشت، برای نمونه می‌توان به حوض حوض‌خانه‌ها اشاره کرد که بیشتر کارکردهای اقلیمی و بصری داشتند.

کارکرد بصری - زیبایی شناسانه

اهمیت آب موجب می‌شد حوض به عنوان عرصه و فضایی زیبا و خوشایند به شمار آید. بازتاب تصویر قسمتی از نمای ساختمان و نیز تصویر آسمان در حوض مورد توجه قرار داشت و در مواردی در متن‌های تاریخی به آن اشاره می‌شد (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۰). همچنین در وقف‌نامه باغ دولت‌آباد یزد درباره حوض‌ها و آبگیرهای آن چنین نوشته شده است: «اطراف آن فضا دست تصرف خاطر فیض مظاهرش سه دریاچه و یک حوض که هر یک آینه بدن نمای آسمان می‌تواند بود و به وضع خوب و شکل مرغوب با جوی‌هایی که هر یک یاد از جوی شیرین می‌دهد احداث فرموده است» (طرب نائینی، ۱۳۶۵: ۳۵۵).



تصویر ۹: ترکیه، توپکاپی، فواره‌های کنار حوض. مأخذ: Lehrman, 1980

به دلایلی ساخته نمی‌شد، یک حوض آب که از نظر نمادین و طراحی منظر اهمیت داشت در جای آن ساخته می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۰).

موقعیت حوض نسبت به ساختمان

می‌توان موقعیت حوض نسبت به فضاهای ساخته شده را به سه گونه طبقه‌بندی کرد: نخست حوض‌هایی که در فضای باز قرار داشتند، دوم حوض‌هایی که در فضای سرپوشیده یا ایوان ساخته می‌شدند، مانند حوض‌های واقع در ایوان‌های باغ چهلستون اصفهان و سوم حوض‌هایی که در درون یک فضای بسته ساخته می‌شدند، که شامل حوض‌های درون عمارت‌های کوشک یا کلاه فرنگی مانند عمارت دلگشا در شیراز و همچنین حوض‌خانه‌ها مانند باغ ارم یا باغ عقیق‌آباد می‌شود.

به نظر می‌رسد در دوران اسلامی به سبب آنکه مساجد و سایر بناهای آیینی بر پایه روابط متفاوتی از گذشته در شهر مکان‌یابی می‌شدند، خاطره‌ای از آب به نشانه عنصری مهم به صورت حوض در جلوخان بناهای مهم قرار داده شد. افزون بر این به مراسم آب‌پاشی در متن‌های تاریخی و سفرنامه‌ها اشاره شده است. این مراسم در دوره صفویه در اصفهان در روی سی‌وسه پل و پل خواجه و در زاینده‌رود و همچنین در برخی از زمان‌ها در قسمت‌هایی از خیابان چهارباغ اصفهان انجام می‌شد.

البته اقتدار و منزلت اجتماعی افراد نیز در اختصاص آب کافی یک چشمه یا منابع دیگر به یک باغ در بعضی از نواحی کشور نقش داشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۶)؛ (تصویر ۱۱).

تشخص و نوگرایی در عناصر و شکل حوض

از دوره صفویه نوعی تشخص و نوگرایی در کاربرد عنصر مجسمه در کنار حوض رایج شد و آن، استفاده از مجسمه‌های جانوری و انسانی در برخی کاخ‌ها مانند کاخ چهلستون و عمارت سرپوشیده است. این سنت در دوره قاجار نیز تداوم پیدا کرد و افزون بر آن، از اشکال بسیار متنوعی برای ساخت حوض استفاده شد. اعتمادالسلطنه، حوض چهارباغ گروس در نزدیکی قصبه بیجار را چنین توصیف کرده است: از مرمر زرد منقوش ساخته شده بود و در چهارگوشه آن چهار مجسمه اژدر از مرمر قرار داده بودند که از دهان آن‌ها آب روان می‌شد. پاشویه حوض را هم از سنگ مرمر منبت ساخته بودند. این باغ در سال ۱۱۰۴ هـ ق توسط لطفعلی‌خان حاکم گروس در دوره سلطان حسین صفوی ساخته شد و در دوره قاجار مرمت شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۱۹۰۵).

موقعیت حوض در باغ

در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل ممکن در بسیاری از باغ‌های کوچک و ساده، حداقل یک حوض در جلوی عمارت کوشک و یک یا چند حوض در حیاط یا حیاط‌های اندرونی قرار داشت. در بعضی از باغ‌ها، در امتداد محور اصلی که یک جوی آب از جلوی عمارت کوشک یا سر در جریان می‌یافت، چند حوض کوچک در این امتداد طراحی و ساخته می‌شد. در نمونه‌های اندکی که از باغ‌ها باقی مانده است، مانند باغ گلشن در طبس و باغ مجموعه تاج محل در آگرا، یک حوض در نقطه مرکزی و وسط باغ طراحی و ساخته شده بود. به نظر می‌رسد در مواردی که کوشک در نقطه مرکزی یک باغ



تصویر ۱۱: اصفهان، حوض کاخ سرپوشیده. مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۴.

مجموعه تاج محل در آگرا، این مکان به طور دقیق در مرکز هندسی فضای باغ که به شکل مربع یا مربع مستطیل است، قرار داشته است. در موارد دیگر در محل تقاطع دو راه جای داده می‌شد (شکل ۱).

در بعضی از سرزمین‌های تاریخی در جهان اسلام مانند هند و مراکش، شکل حوض جنبه‌های کاملاً تزیینی به خود می‌گرفت و از انواع شکل‌های گیاهی و گل‌ها در طراحی آن استفاده می‌کردند (تصاویر ۱۶ و ۱۷).

سنت شکنی در طراحی حوض نسبت به راه

در سنت طراحی حوض در ایران، نخست به جنبه مرکزیت آن توجه می‌شده و همزمان با آن، با قرار دادن حوض در امتداد یک راه و به ویژه راهی که به یک ورودی یا فضای مهم منتهی می‌شد، مانع از حرکت مستقیم افراد در امتداد یک محور عمود بر ورودی یا ساختمان می‌شدند و افراد برای دسترسی به فضای مورد نظر باید از کنار حوض در امتداد یک مسیر غیر مستقیم حرکت کنند و سپس به مسیر یا امتداد مسیر اصلی دوباره وارد شوند تا به ورودی یا فضای مورد نظر دسترسی پیدا کنند (تصاویر ۱۴ و ۱۵). اما در جلوی ساختمان باغ معینیه در شیراز (در دوره قاجار) یک راه کالسکه‌رو در میان آبگیر یا حوض بزرگ جلوی ساختمان طراحی و ساخته شده (صانع، ۱۳۶۹: ۷۵) که بر اساس اسناد موجود در تاریخ معماری ایران بی‌سابقه بوده است. تقریباً همین وضع با مقداری تفاوت در یکی از جبهه‌های ساختمان باغ امیریه قابل مشاهده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

تحلیل یافته‌ها و نتایج

طرح‌های معماری سنتی ایران نشان می‌دهد که معمولاً به طرح‌های هندسی راست‌گوشه اهمیت بسیاری داده می‌شد و به ندرت از نقشه‌ها و طرح‌های ارگانیک و اندام‌وار یا با نقش‌های گیاهی استفاده می‌شد. برای نمونه در محوطه روی تپه‌ها یا نواحی پرشیب مانند باغ و قصر قاجار در تهران و باغ تخت در شیراز ساخته می‌شدند، نه تنها از خطوط طبیعی و محیطی استفاده نمی‌شد، بلکه با خاک‌برداری از قسمت‌هایی از محوطه باغ، آن را به صورت هندسی و با خطوط متقاطع، تراس‌بندی می‌کردند. شاید به این سبب است که به طور معمول در بعضی از بخش‌های باغ مانند سایر انواع بناها از حوض‌هایی به شکل مستطیل یا مربع استفاده می‌کردند. علاوه بر این، به نظر

موقعیت حوض نسبت به سطح تراز باغ

به طور معمول حوض‌هایی که در فضای باز باغ ساخته می‌شدند به گونه‌ای طراحی می‌شدند که سطح کف آن‌ها کمی از سطح زمین (حدود ۳۰ تا ۷۰ سانتی‌متر) پایین‌تر بوده و دیواره و بدنه آن‌ها کمی بالاتر از سطح زمین (حدود ۳۰ تا ۷۰ سانتی‌متر) بود. البته عمق حوض در گذشته ثابت نبود و به کارکرد و چگونگی پیدایش آن بستگی داشت، اگر حوض کارکرد یک منبع یا مخزن را نیز داشت، عمق آن به حدود دو متر یا گاه بیشتر هم می‌رسید.

فاصله حوض تا عمارت کوشک

فاصله حوض تا عمارت کوشک اندازه ثابت و مشخصی نداشت و به عوامل متعددی مانند مساحت باغ، اندازه‌ها و از جمله ارتفاع کف ایوان کوشک از سطح باغ و همچنین اندازه و عمق آب بستگی داشت و به طور متوسط بین سه تا هفت متر بود. نکته‌ای که در کتاب «ارشاد الزراعه» در این زمینه آمده و فاصله بین کوشک و حوض را حدود ۲۰ ذرع یعنی نزدیک به ۱۶ متر دانسته قابل تأمل و بررسی است.

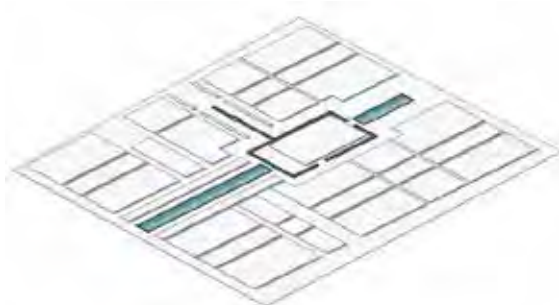
به نظر می‌رسد نکته‌ای که در این زمینه در نسخه فارسی مجهول المؤلفی به نام «بیاض خوش بویی» درباره فاصله ساختمان و حوض حدود ۲۱ ذرع (حدود ۱۷ متر) آمده، درست باشد. در این رساله فاصله حوض واقع در روی یک چبوتره یا سکو را که در محل اتصال و تقاطع دو جوی بوده، حدود ۱۷ متر دانسته است. این حوض متفاوت از حوضی بوده که به طور معمول در جلوی ایوان کوشک می‌ساختند (بیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). چنان‌که در «پادشاه نامه» درباره حوض واقع در مرکز باغ واقع در مجموعه تاج محل چنین نوشته است: "در چهار خیابان وسط باغ که به عرض ۴۰ ذراع است، نهری است به عرض ۶ گز و در آن، فواره‌ها از آب دریای جون جوشان، در ملتقای آن‌ها چبوتره‌ای است به طول و عرض ۲۸ گز، که نهر مذکور اطراف آن گشته و در وسط چبوتره حوضی است به طول و عرض ۱۶ گز و در آن ۵ فواره نصب شده (لاهوری، ۱۸۶۷: ۱۰۵۳).

چگونگی طراحی حوض و آبنماها

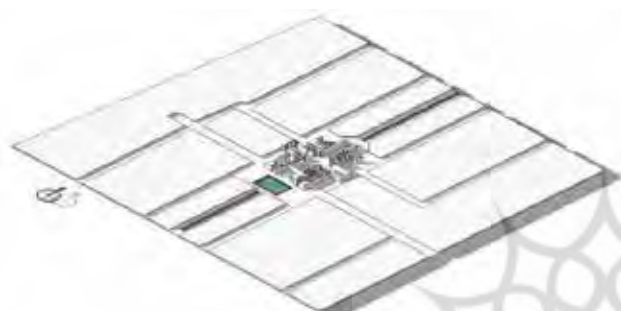
در طراحی باغ‌های ایرانی معمولاً حداقل یک حوض با نقش مرکزی وجود دارد که در محل تقاطع دو محور متقاطع قرار داده می‌شد. در بعضی موارد مانند باغ گلشن طبس و نیز باغ



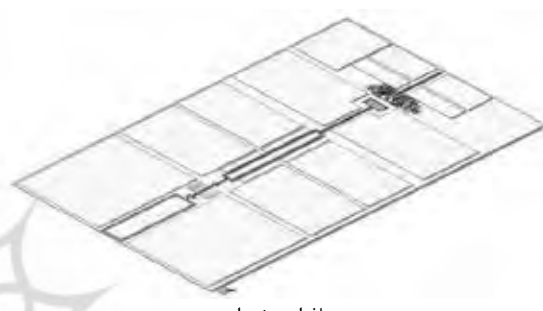
باغ هشت بهشت، اصفهان



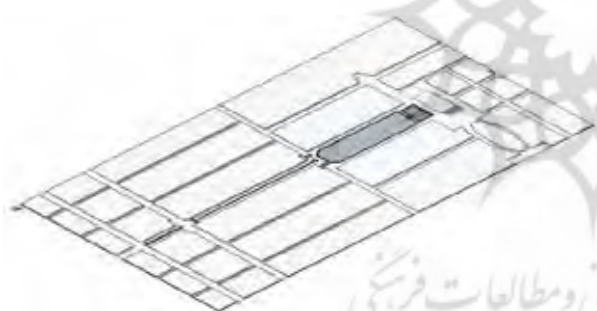
باغ چهلستون، اصفهان



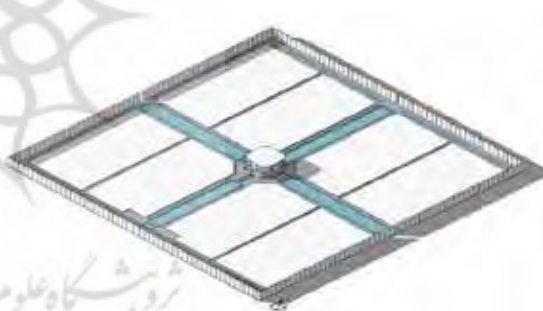
باغ دلگشا، شیراز



باغ ارم، شیراز



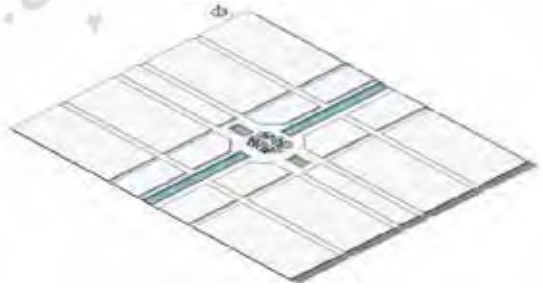
باغ گلشن، شیراز



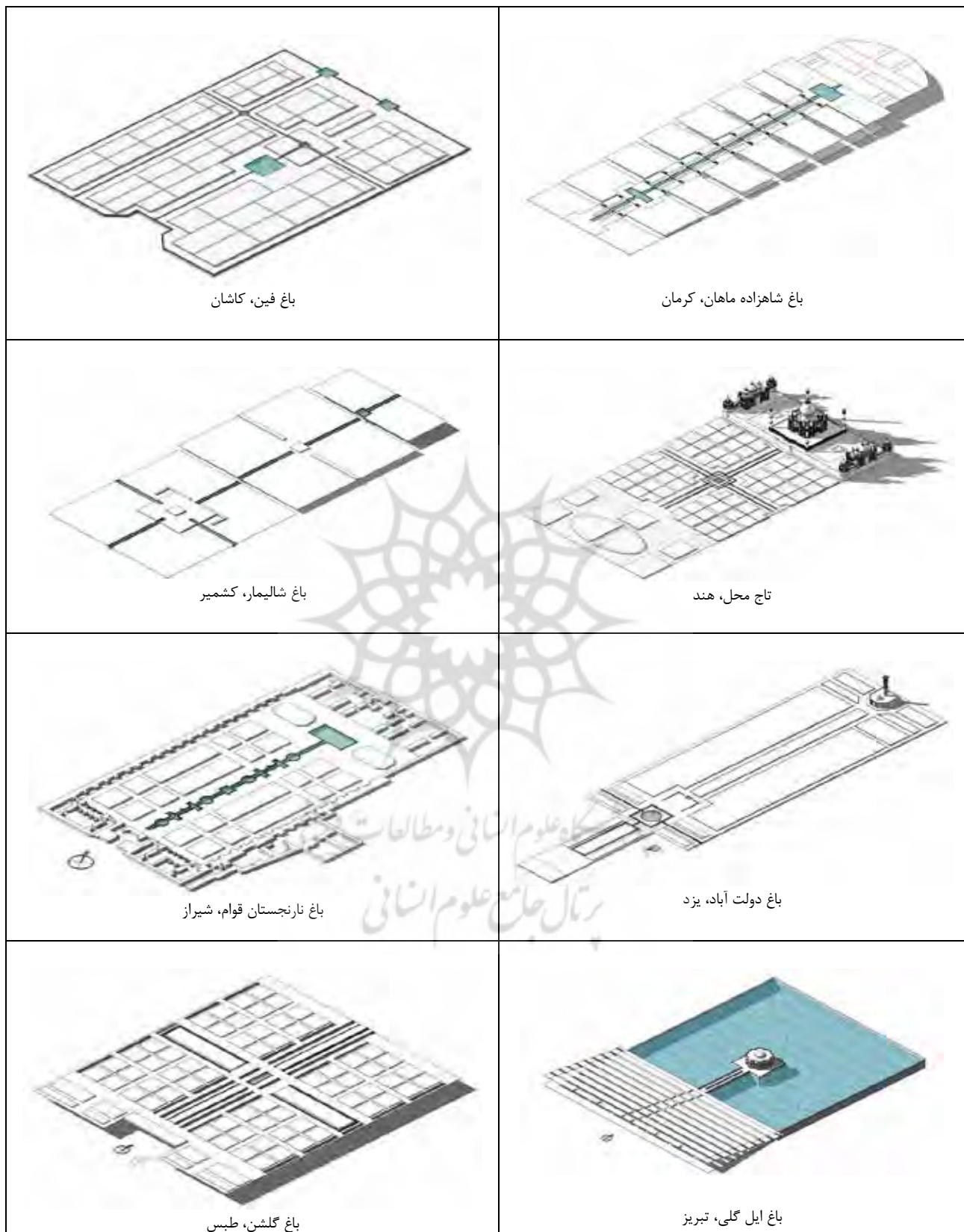
باغ جهان نما، شیراز



باغ تخت، شیراز



باغ نظر، شیراز



شکل ۱: چگونگی سازماندهی حوض، آب‌گیر و جوی در برخی از باغ‌های ایرانی و جهان اسلام، باز ترسیم: نگارندگان.

معنی و مفهوم تأکید بر یک محور مشخصی تفسیر کرد، چنان که آن را به صورت عمده در جلوی بعضی از عمارت‌هایی می‌توان دید که بر روی یک محور بنا تأکید می‌شد، مانند حوض جلوی عمارت چهلستون در اصفهان یا حوض جلوی عمارت باغ نظر در شیراز.

در بسیاری از موارد، شکل و موقعیت حوض به خوبی نمایان‌گر کارکرد، مفهوم و نقش نمادپردازانه، آیینی یا زیبایی‌شناسانه حوض بود و در کارکردی‌ترین حالت به عنوان منبع ذخیره و تقسیم آب، مورد استفاده قرار می‌گرفت. حوضی که به صورت عمده جنبه نمادپردازانه و آیینی داشت، به طور معمول در امتداد محور مرکزی جلوخان برخی از باغ‌ها (مانند بعضی از مساجد و سایر بناهای مهم) ساخته می‌شد.

در مواردی نادر اهمیت و نقش فرهنگی حوض در بعضی از بناهای فرهنگی به جایی می‌رسید که شماری از مردم برای دست یافتن به برخی از خواسته‌های خود، در آن سکه یا یک شیء می‌انداختند، مانند آنچه در مورد یکی از حوض‌های واقع در مجموعه باغ-مزار حافظ در شیراز روی داده است. بازتاب خصوصیات گوناگون کارکردی و مفهومی آب را می‌توان در ویژگی‌های کالبدی حوض مشاهده کرد و به عبارت دیگر طرح‌ها و شکل‌های گوناگون حوض نمایانگر عملکردها و مفاهیم متنوعی است که یک حوض متناسب با آن در گذشته طراحی و ساخته می‌شد.

می‌رسد شکل‌های هشت و نیم‌هشت و کشکولی را بتوان در همین نظام تحلیل و تبیین کرد. اسناد موجود نشان‌دهنده این است که استفاده از شکل دایره و بیضی به صورت عمده از دوره قاجار به بعد مورد توجه قرار گرفت. استفاده از شکل مستطیل کشیده و طویل را می‌توان به

نتیجه‌گیری | کمبود آب در سرزمین‌های خشک موجب شده بود به آن به عنوان عنصری بسیاری مقدس و حیاتی نگریسته شود و در برخی از این گونه سرزمین‌ها مانند ایران، حتی ایزد حامی آب به عنوان نیرویی که حافظ و نگهبان آب است، شکل گرفته بود. این عنصر نقش اصلی در پیدایش و شکل‌گیری انواع باغ‌ها در این سرزمین‌ها داشت و به همین سبب افزون بر جنبه‌های کارکردی، آن را به صورت‌های گوناگون در باغ‌ها به نمایش می‌گذاشتند و در مواردی انرژی و سرمایه قابل توجهی برای نشان دادن آن صرف می‌شد. به این سبب به نظر می‌رسد عناصر آبی را می‌توان مهم‌ترین عناصر یک باغ به ویژه در نواحی گرم به شمار آورد. حوض یکی از این عناصر به شمار می‌آید که کارکردها و شکل‌های بسیار متنوعی داشته است و می‌توان آن را مهم‌ترین عنصر آبی دانست که نه تنها در باغ‌ها، بلکه در سایر انواع فضاهای معماری به صورت‌های بسیار متنوع به کار می‌رفته است و از آیینی‌ترین تا کاربردی‌ترین حالت را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد.



تصویر ۱۳: پل در میان حوض، ساختمان باغ معینیه، مأخذ صانع، ۱۳۶۹.



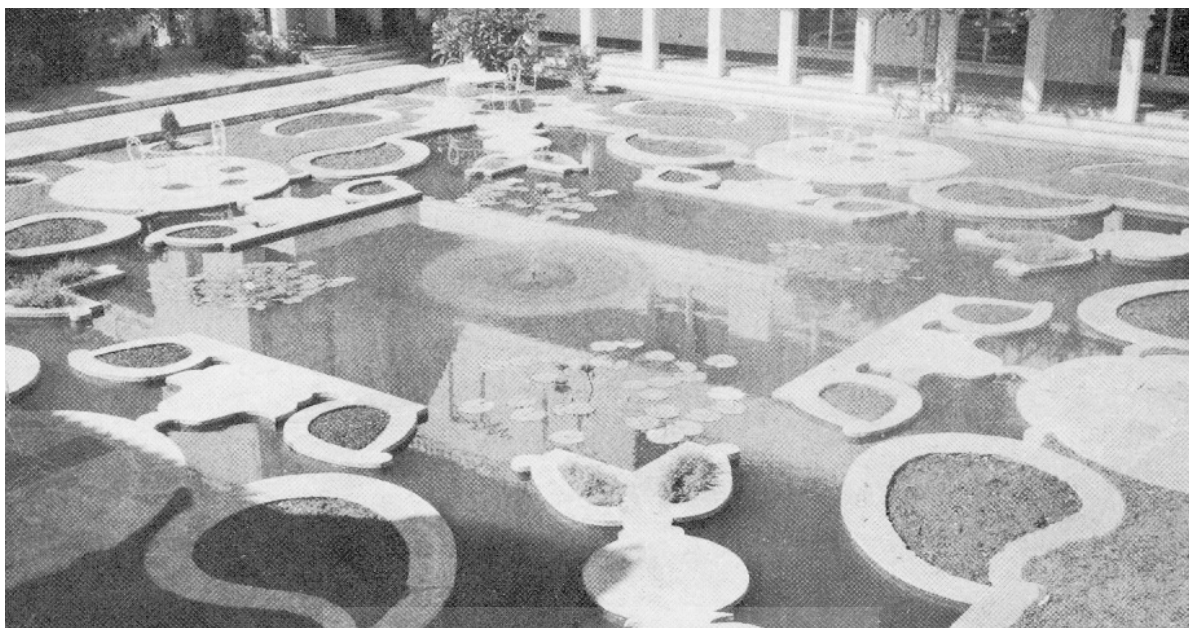
تصویر ۱۲: پل در میان حوض، ساختمان باغ امیریه، مأخذ: صانع، ۱۳۶۹.



تصویر ۱۴: حوض و تخت، قصر اکبر در شهر فاتح پورهند. مأخذ: Lehrman, 1980



تصویر ۱۵: حوض در مرکز راه، آرامگاه اکبر در سیکاندرآ. مأخذ: Lehrman, 1980



تصویر ۱۶: حوض با شکل گیاهی، قصر نیواس در شهر اودیپور. مأخذ: Lehrman, 1980



تصویر ۱۷: پلان حوض با شکل گیاهی، قصر نیواس در شهر اودیپور. مأخذ: Lehrman, 1980

- احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اخوان الصفا. (۱۳۸۷). *مجموعه حکمه*. به کوشش محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسمیت، جرج. (۱۳۷۸). *گیلگمش*. ترجمه: داود منشی‌زاده. تهران: جاجرمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*. تهران: دانشگاه تهران.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*. تصحیح: منوچهر ستوده. تهران: امیرکبیر.
- الکرچی، ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب. (۱۳۷۳). *استخراج آب‌های پنهانی*. ترجمه: حسین خدیو جم. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه: جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایبل، آنت. (۱۳۵۶). *گرترویدیل*. ترجمه: هوشنگ ابرامی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بندهش. (۱۳۸۰). به کوشش مهرداد بهار. تهران: توس.
- بیلی، گووین. (۱۳۸۷). *بیاض خوش بویی*. ترجمه: اردشیر اشراقی. گلستان هنر، ۴ (۱۲): ۱۰۰-۱۰۸.
- بی‌نا. (۱۳۶۹). *کارنامه اردشیر بابکان*. برگردان: قاسم هاشمی‌نژاد. تهران: مرکز.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۴۷). *بیشه‌ها*. تهران: طهوری.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. ترجمه: کیکائوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- خوانساری، مهدی، مقتدر، محمد رضا. و یآوری، مینوش. (۱۳۸۳). *باغ ایرانی: بازتابی از بهشت*. ترجمه: مهندسین مشاور آران. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دانشدوست، یعقوب. (۱۳۷۶). *بناهای تاریخی طبس*. تهران: سروش.
- سرنا، مادام کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه: علی اصغر
- سعیدی. تهران: زوار.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۸). *تاج محل*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۶). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه: محمد عباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شیرازی، فرصت‌الدوله. (۱۳۰۷). *آثار عجم*. شیراز.
- صانع، منصور. (۱۳۶۹). *پیدایش عکاسی در شیراز*. تهران: انتشارات سروش.
- قاسمی‌نیا، مازیار. (۱۳۹۴). *باغ‌های مراکشی، الگوهای بومی در باغ‌های کشورهای اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۰). *آب و کوه در اساطیر ایران*. تهران: هرمس.
- لاهوری، ملا عبدالحمید. (۱۸۶۷). *پادشاه‌نامه*. تصحیح: مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم. کلکته: کالج پریس.
- متز، آدام. (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه: علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقدم، محمد. (۱۳۵۷). *جستار درباره مهر و ناهید*. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- ملکونوف، عزالدوله. (۱۳۶۳). *سفرنامه ایران و روسیه*. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- نادر میرزا قاجار. (۱۳۶۰). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. چاپ سنگی تهران. چاپ افست: تهران: محمدمشیری.
- ناصرالدین‌شاه. (۱۳۵۴). *روزنامه سفر خراسان*. تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- ویلبر، دونالد نیوتن. (۱۳۸۴). *باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن*. ترجمه: مهین‌دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هولتسر، ارنست. (۱۳۵۵). *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*. ترجمه: محمد عاصمی. تهران: فرهنگ و هنر.
- هینلز، جان. (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.

•Lehrman, J. B. (1980). *Earthly Paradise: Garden and Courtyard in Islam*. California: University of California Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی